



۲۰۱۳/۰۷/۲۰

صالحه وهاب واصل

## مأیوسی نتیجه آرمان های سی ساله ملت افغان

شورای وکلاء و ولسی جرگه، همنوا با مقامات دولت جمهوری اسلامی افغانستان با صدای بلند در محضر عام ادعای پشتیبانی و دفاع از حقوق حقه زن و اطفال را دارند، حقوقی که در قانون اساسی کشور درج و پشتیبانی گردیده اما قانونیت آن صرف مندرجه کاغذی بوده و از پیاده ساختن آن در عمل خبری نیست. در اوضاع کنونی کشور که خشونت علیه زنان پا از حدود، حتی تفکر، بیرون نهاده است، با موجودیت تصویب قانون اساسی در مورد نکاح دختران افغان به سن شانزده سالگی، دختران در زیر سن «نه» سالگی و «هفت» سالگی در نکاح مردان شصت و هفتاد ساله در آورده می شوند، که این اطفال خورد سال بعد از کشیدن زجر بیحد و طاقت فرسای شب زفاف و در دو سه سال اول عروسی درد تجاوز های علنی جنسی شوهر را کشیده، بالاخره صاحب فرزندی می گردند. و «بدا به حال آن دخترک معصومی که هم جنسش را دنیا آورد». علاوه بر این اعمال خشن و دور از دایره انسانیت حتی این مادران خورد سال زیر نام «غیرت، شهامت، نام و ننگ» شوهران شان اجازه رفتن به کلینیک ها و مراکز صحتی را هم نداشته مجبورند نه ماه بارداری را به هر مشکلی که برای شان پیش خواهد آمد با صبر و حوصله نهایت برداشت نموده و نزد دایه های مسن محلات مربوط ولادت کنند. و یا از نادانی بسیار طفل شان نا آگاهانه سقط شود.

قرار احصائیه گیری های ملل متحد، در سالهای اخیر از هر صد هزار مادری که خورد تر از سن قانونی شان ازدواج کرده و صاحب طفل میگردند، بیشتر از دو هزار آن هنگام ولادت تلف میشوند و اگر خود شان روی تصادفات نجات یابند، طفل شان تلف میگردد. علل عمده این تلفات در قدم نخست:

نا بالغ بودن این مادران زیر سن،

در قدم دوم: عدم دسترسی به دارو و درمان لازم موعده نه ماهه بار داری و باز رسی های کلینیکی و در قدم سوم: تعصبات غیر مجوز شوهران است که در رفتن خانم های باردار شان به کلینیک های ولادی و نسایی و مراکز صحتی و طبی ممانعت می نمایند. که با تأسف چشم قانون دانان و حقوق شناسان دولتی و نهاد های بر حق ایستاده عقب دفاع از حقوق زن را، در دیدن این اوضاع و شرایط، نابینا می بینم. تا آنجائیکه در جهان بیرونی در عمل به اثبات رسیده، که موجودیت و نقش زن در جامعه و همه عرصه های پیشرفت و انکشافات اقتصادی و مدنی، اجتماعی و فرهنگی، ادبی و حتی سیاسی ۵۰ فیصد جامعه می باشد. در کشور ستمدیده ما که قبلاً هم این نقش کمتر از ۵۰ فیصد بود، در نتیجه این سه دهه سیاه اخیر، زن و نقش زن در جامعه ما مطلقاً از صحنه خارج شده و زن جز یک وسیله ارضای غریزه جنسی مرد و یک ماشین چوپه کشی چیزی دیگری به شمار نمی رود.

این به عقب لغزیدن سطح تحصیلی و آموزشی ملت، در سی و چهار سال اخیر، ضربه بسا سنگینی بر پیکر رشد و نمو اقتصادی کشور ما تلقی میگردد، که زنان افغان یکی از بزرگترین قربانیان آن بشمار میروند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان با بزرگترین پشتوانه مادی از دهها کشور خارجی و قوی ترین قوای دفاعی و حمایتی این ممالک در طول ۱۲ سال زعامتش، نتوانست به این قشر مظلوم و قابل ترحم که همه اظلام و بدبختی های شان ناشی از زن ستیزی ها و خود خواهی های جامعه مرد سالار کشور است، جایگاه اجتماعی که حق انسانی آنهاست، به آنها قابل گردد.

امروز در قرن بیست و یکم که جهانیان به زهره و مهتاب سفر میکنند، در افغانستان هنوز زنان و دختران، با مواشی، خریطه آرد و گندم، پول نقد و یک قطعه زمین معاوضه میگردند. به خاطر نام و ننگ از حصول تحصیلات محروم و در برابر جرم برادر و پدر به بد داده میشوند. با حیوانات در طویله ها محبوس گشته، به خاطر به دنیا آوردن دختر سوختانده میشوند، به خاطر عقیم بودن سر بریده شده و در برابر پول به مردان بیگانه جهت ارفاع غرایض شهوانی پیشکش میگردند. اما.....

اما این حوادثی است که هست و در هر دقیقه شاید بیشتر از ده ها زن افغان سر دچار آن گردند مگر صرف علنی نیست، حتی؛ این زن ستیزان اغماضگر می کوشند از خیر شدن همسایگان و اعضای خانواده های نزدیک شان از

ماجرای هم جلوگیری کنند تا راز شان افشاء نگردد رسانه ها و مطبوعات چهره های اصلی زیر نقاب شانرا آشنا نگردند. چهل در صد این اظلام، توسط کسانی بر زنان تحمیل و عملی میگیرد که صاحب قدرتان دولت اند. مگر، آیا این قدرتمندان دولتی از قانون اساسی و حقون مندرجه زنان در قانون اساسی آگاهی ندارند؟ و یا فیه بی عدالتی بر دیده بسته، مردمک دیدگان شان را دالر و پوند استرلنگ پوشانیده است؟

هرجا میشنویم شعار دفاع از حقوق زن، تساوی حقوق زن و مرد، نقش فعال زن در اجتماع (البته به حیث یک سمبول)، تأسیس مکاتب و مدارس و امکانات و سهولت های تعلیمی و تحصیلی برای دختران، خانه های امن

.....و.....و.....و.....

اما در برابر آن چه؟ نا امنی، تیزاب پاشی، اختطاف، تجاوز های جنسی و ده ها ضرب و شتم و اظلام دیگر پس پرده، که کثافت های آن به زور پول شست و شو میگردد.

جای بسا آه و افسوس است که مسئولین دولت موجوده با شعار های نمایشی در مطبوعات و رسانه ها به جای عطا رفاهیت و عدالت های حقوق و قانونی به قشر زن در جامعه و افزون سازی نقش زن در اجتماع، در عرصه های کاری و اقتصادی، میخوانند خاک بر چشم روشن بینان زده روی تجارت غیر علنی شان با دلالتان حقوق زن در داخل و خارج کشور با استفاده از امکانات و پشتیبانی های سیاسی و مذهبی پرده اندازی کنند.

دیده میشود امید و توقعیکه دوازده سال قبل از حکومت نخست انتقالی و بعد ثابت و «انتخابی» از جانب ملت، میرفت، علاوه بر اینکه برآورده نشد، به جای خوش بینی به ملت درد کشیده و رنج دیده ما، جز مأیوسی چیزی دیگری نبخشید.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ